

اندیشه‌های فقهی

در عرضه هنر

دکتر زهرا گواهی

استادیار دانشگاه پیام‌نور

سرشناسه	گواهی، زهرا، ۱۳۳۸.
عنوان فرارادی	اندیشه‌های فقهی در عرصه هنر / تألیف زهرا گواهی.
مشخصات نشر	مشهد: (مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی) - به‌نشر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۲۲۰ ص.
فروست	مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی (به‌نشر)، ۱۳۳۳.
شابک	ISBN : 978-964-02-1701-6 ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۱۷۰۱-۶
بادداشت	کتابنامه: صص ۱۷۳ - ۱۲۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	اسلام و هنر.
موضوع	هنر (فقه).
شناسه افزوده	شرکت به نشر (مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی).
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۰ الف ۹ گ / ۸ / ۲۳۲ / ۸ / B.P
رده‌بندی برزیلی	۲۹۷/۴۸۷
شماره کتابشناسی ملی	۲۵۲۷۵۹۹



۱۳۷۳

اندیشه‌های فقهی در عرصه هنر

دکتر زهرا گواهی (استادیار دانشگاه پیام نور)

ویراستار علمی: دکتر علی سلطانی

ویراستار فنی - زبانی: حمیدرضا نویدی مهر (نگهبان)

چاپ اول / ۱۳۹۰

۲۰۰۰ نسخه / رقمی

چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - به‌نشر

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۰۲ - ۱۷۰۱ - ۶

حق چاپ محفوظ است

به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

دفتر مرکزی: مشهد، سجاد، ابتدای جاباز جنوبی، ص. پ ۹۱۳۷۵/۲۹۶۹ و ۹۱۳۷۵/۱۵۷ و ۹۱۳۷۵/۳ - تلفن ۰۱-۷۶۲۵۰۰۱، شماره ۷۶۱۵۰۷۹

دفتر تهران: ۸۸۹۶۰۶۴۰، ۸۸۹۶۲۳۰۱، شماره ۸۸۹۶۵۹۸۲

آدرس اینترنتی: www.Behnashr.com پست الکترونیک: publishing@behnashr.com

فهرست مطالب

۷ سخن مؤلف
۹ پیش‌گفتار
۱۷ گفتار اول: غنا و موسیقی در منظر فقه
۶۰ گفتار دوم: نقاشی، مجسمه‌سازی و عکاسی در اندیشه فقیهان
۱۶۵ گفتار سوم: سینما و بازیگری در اندیشه فقیهان
۲۰۷ گفتار چهارم: آرای فقیهان معاصر در امور هنری
۲۱۷ کتاب‌نامه

سخن مؤلف

از آن هنگام که به برکت انقلاب اسلامی و پیشگامی رهبر کبیر انقلاب امام خمینی علیه السلام فقه حکومتی رخ نمود، مسأله پویایی فقه و پاسخگویی به نیازهای نوین جامعه و صدور حکم برای موضوعات نوین و مستحدثه، جدیت و ضرورت یافت و گریزناپذیر شد.

دیگر، جولانگاه فقه و فقه‌مداران، حبره‌ها و حلقه‌های محدود درسی نبود، بلکه رؤیای ملتی که به حاکمیت اسلام و فقه رأی داده و سعادت خود را در این راه جستجو می‌کرد و همچنین تعامل و برخورد با ملل مسلمان و غیرمسلمان دیگر که به سرنوشت این ملت چشم دوخته بودند تا از آن آنگویی بسازند و راه آن را پیش گیرند. یا بر آن خرده گرفته و غیر کارآمد اعلامش کنند. از این رو مسئولیت اندیشمندان دین و فقها هر روز افزونتر شده و خطیرتر می‌گشت. بروز و عرضه موضوعات نوین و نوظهور در عرصه فناوری، پزشکی، اقتصادی و اجتماعی و همانند آن، تلاشی وافر و پردازش و اجتهاد عمیق‌تری را در متون فقهی می‌طلبد. موضوعات و پدیده‌های هنری از این مقوله استثنا نبوده و با توجه به نیاز مبرم جامعه بشری به جلوه‌های گوناگون هنری، مجال چشم‌پوشی و غفلت وجود نداشته و ندارد. لذا، بایسته است حاکمان دینی و فقیهان حاکم، در این عرصه پایش و کاوش نموده و نظرها و آرای کارآمد و نوپایی را ارائه نمایند.

این پژوهش بر اساس چنین دغدغه و ضرورتی آغاز و انجام یافت و بی‌شک همچون هر کار بشری، نقایص و کاستیهایی در آن راه می‌یابد. نگارنده امید دارد

صاحب‌نظران و اندیشمندان عالیقدر، این مواد را بر نگارنده عفو نموده و او را از فیض راهنماییهای خود بهره‌مند سازند.

در پایان شایسته می‌دانم از جناب آقای سیدمسعود عیسی‌زاده مدرس دانشگاه که در نگارش متن یاری رساندند؛ و جناب آقای دکتر عباسعلی سلطانی که زحمت ویرایش علمی آن را متحمل شدند؛ سپاسگزاری و قدردانی نمایم. همچنین، از مسؤولان محترم مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - به‌نشر و نیز ویراستار محترم جناب آقای نویدی‌مهر کمال تشکر را دارم.

زهره گواهی

استادیار دانشگاه پیام‌نور

پیش‌گفتار

انسان فطرناً زیبایی خواه آفریده شده است و حواس او چنان با محیط اطرافش هماهنگی دارد که نغمه دلنشین و بوی خوش، منظره دل‌فریب، لطافت و سرسبزی، برای او لذت‌آور و فرح‌بخش است؛ از طرفی، وقتی روح کمال‌جویی با این حس در می‌آمیزد، از او انسانی آفرینش‌گر و خلاق می‌سازد. پدیده‌های جهان را گزینش کرده، با احساس خود آنها را بازآفرینی می‌کند و به مدد نیروی خیال و نگارش به پدیده‌های هستی، هنر را به نمایش می‌گذارد. چنین کوششی که به آفرینش اثری زیبا می‌انجامد «هنر» نام دارد و آفریننده آن «هنرمند» نامیده می‌شود.

هنر تجلی احساس انسان است در قالب محسوس، زبان درون است با مخاطباتی اهل دل، حقیقت را می‌نمایاند بی آن‌که به وعظ و استدلال پردازد؛ زبانی دردمند، زیبایی، پرشور که همه آدمیان را با هر ملیت و نژادی به یکدیگر پیوند می‌دهد. فناوری و تمدن به هنر توانایی می‌بخشد و آن را فراتر از مرزهای جغرافیایی، به دورترین نقاط جهان انتقال می‌دهد.

اما هنر، این ودیعه الهی همچنان در میان دو قطب جان و جسم، ماده و معنا، خداجویی و کفر در نوسان بوده است و از دستبرد آفت‌هایی همچون نفس‌پرستی، زورمداری، استعمار و ابتذال در امان نمانده است. لذا، هنر یا همه عظمت و رسالتی که دارد، به هنر متمهد و مسؤول و نیز هنری که ابزار دست سودجویان و قدرت‌طلبان و سرمایه‌داران است، تقسیم شده است. هنری که در مسیر تکامل بشری، ایجاد حس خدابپرستی و پاسداری از مظاهر انسانی است، هنر متمهد و دینی است و هنری که جامعه را به فساد و ابتذال و گمراهی می‌کشاند، هنر مبتذل و منفی است. اینجاست که «تکلیف» سر برمی‌آورد و «فقیه» در بیان تکلیف به تکاپو می‌افتد و فقه میان بایدها و نبایدها مرز می‌سازد. گرچه پیچیدگی هنر، بیان دقیق مصداقهای احکام تکلیفی، حرمتها و حلیتها را دشوار ساخته است

و کتابهای فقه سنتی برخی از مصداقهای موجود در زمان خود را - مانند خرید و فروش مجسمه و ساخت و یا نگهداری آن و تصویرگری و موسیقی و خرید و فروش آلات موسیقی و... - مورد بحث قرار داده‌اند، جلوه‌های هنر به اندازه‌ای گسترده شده است که هنوز صدها پرسش در هنر فراروی مجتهد و مقلد است و تغییرات و مقتضیات زمانی و مکانی، بازنگری جدیدی را در موضوع هنر می‌طلبد.

زبان هنر، زبان احساس است و مخاطب احساس، دل. هنر، شوق برانگیز است و حرکت آفرین، هنر تجهیز می‌کند، بی‌آن‌که بر منبر موعظه بنشیند. حقیقت را نمودار می‌سازد، بی‌آن‌که برای آن، استدلال بیاورد.

زبان هنر همیشه برای بیان حقیقت باز است؛ زیرا مالک راه‌ها و شیوه‌های مختلف است و به هزار زبان سخن می‌گوید. پیشرفت صنعت و تکنیک، به هنر تواناییهای چشمگیری بخشیده و نوارن مختلف فردی و اجتماعی انسان امروز را صحنه بروز و ظهور خود قرار داده است. آنها در عرصه پیام‌رسانی، از دیوار شهرها و صفحه‌های کتاب و روزنامه‌ها گرفته تا عظیم‌ترین وسایل و ابزار ارتباطی، را جلوه‌گاه خود ساخته است، به‌گونه‌ای که برقراری ارتباط برای انسان امروز بدون بهره‌گیری از زبان هنر، دشوار و گاه ناممکن است. این حضور جدی هنر در زندگی انسانها، حساسیت نسبت به آن را هم از جنبه نظری و هم عملی، چند برابر کرده است.

امروزه ده‌ها، بلکه صدها پرسش در موضوع هنر و عرصه‌های مختلف هنری وجود دارد. فقهای ما در گذشته، با وجودی که هنر به گستردگی امروز را شاهد نبوده‌اند، به میزان مورد نیاز، پاسخگو بوده‌اند و مطالب ارزشمندی را در زمینه خرید و فروش و ساخت و نگهداری مجسمه، نقاشی، نواختن موسیقی، خرید و فروش ابزار و آلات موسیقی و... عرضه کرده‌اند و دستمایه خوبی را برای تحقیق و پژوهش در مسائل هنری در اختیار آیندگان قرار داده‌اند.

بی‌تردید، آنچه بزرگان گفته‌اند و نوشته‌اند، پاسخگوی مسائل هنری امروز نیست. دگرگونی و گستردگی موضوع، مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی به وجود آمده و... بازنگری جدی به موضوع هنر را می‌طلبد.

بدون شک، از وظایف مهم فقه، پاسخگویی به نیازهای فردی و اجتماعی انسانهاست. رشد و بالندگی فقه نیز در جامعیت و قابلیت به‌روزرسانی آن است.

برخی از گونه‌های هنر، جدید و نوظهورند، مانند بازیگری، کاریکاتور و هنرهای طنزآمیز. برخی دیگر نیز در بستر زمان دچار تغییر و دگرگونیهای بسیار مهمی شده‌اند که این هر دو، ضرورت نگرش به هنر را آشکار می‌سازد. به‌عنوان مثال، مجسمه‌سازی در

گذشته‌های دور، بویژه در عصر نزول وحی و صدور روایات، با توجه به پیشینه بت‌پرستی و فضای آن روزگار، امکان بهره‌گیری صحیح از آن، یا نبود و یا بسیار ناچیز می‌نمود. اکنون، با گذشت قرن‌ها و از بین رفتن و فراموش شدن فرهنگ بت‌پرستی در جامعه‌های اسلامی از یمن، سو، و امکان بهره‌وریهای مباح و عقلایی از مجسمه مانند: تزئینات، حفظ آثار و تاریخ گذشته ملت‌ها، تحلیل و تکریم بزرگان و شخصیت‌های ملی و قومی و مذهبی، انتقال پیام‌های فرهنگی و دینی و... هر فقیه و محققى را وادار مى‌دارد تا منابع فقهی و فتوای‌های گذشتگان را دوباره بررسی کند و همانند گذشتگان نیک‌اندیش خود، که وقتی برای مقوله‌هایی مانند خون و سودهای خالص دیدند فتوای جدید صادر کردند، شجاعت آن را پیدا کند که دیدگاه جدیدی ارائه کند.

فقه و پاسخگویی به مسائل بظهور

گوناگونی دیدگاه‌های فقهی در مقوله‌های هنر بویژه موسیقی و مجسمه‌سازی بسیار مشهود است، چنان‌که در موسیقی تا حدوده نظریه برشمرده‌اند. این نظریه‌ها امروزه جنبه کاربردی پیدا کرده و تقابل آنها به تقابل اعمال و رفتار مقلدان انجامیده است، ولی جامعه امروز این اندازه اختلاف را بر نمی‌تابد و باید هر چه بیشتر دیدگاه‌ها و راه‌کارهای مبتنی بر فقه سنتی و اجتهادی، اما نزدیک به واقعیت موجود، ارائه شود تا وحدت نسبی در عملکردها نسبت به رویکردهای هنری پیش آید و تقابل و تضارب عملکردها، مانع ترقی حکومت اسلامی نگردد. مثلاً نمی‌توان به‌طور کلی رسانه‌های عموماً، بازیگری و تصویرسازی را تعطیل کرد و یا برای آن قیودی دست‌نایافتنی زد. از طرف دیگر، باز گذاشتن دست هنرمندان و آزادی بی‌حد و مرز هنر، آن را به ورطهٔ ابتذال یا پوچی خواهد کشاند. پس رأیی بایسته و مناسب با مقتضیات زمان و مکان و مطابق شرع از سوی مجتهدان اگاه هنر را متعهد و مسؤول نگاه می‌دارد.

جایگاه هنر در گفتمانهای فقهی

هنر، در فقه جایگاه مستقلی ندارد. ما در فقه موضوعی به‌عنوان هنر (فن) که به مسائل و فرعهای متفرقه آن پرداخته شود، نداریم. آنچه در فقه آمده، مطالب پراکنده‌ای است در برخی بابهای فقهی مانند مکاسب محرّمه، که دربارهٔ داد و ستدهای حلال و حرام بحث می‌شود. از همین زاویه، خرید و فروش، مجسمه، کنیزکان آوازه‌خوان و ابزار موسیقی مطرح شده و در کنار آن، از حکم ساخت و ساز و نگهداری مجسمه و یا تعریف غنا و یا یاد دادن

و یادگرفتن آن، سخن به میان آمده است. و نیز در بحث لباس و مکان نمازگزار، موضوع بهره‌گیری از نقاشی و مجسمه و کتشدن نقاشی مطالبی بیان شده است. تنها در مورد تعزیه‌خوانی امام حسین علیه السلام، به موضوع، به‌عنوان یک هنر نمایشی نگاه شده که آن هم، از حد افتاء و استفتاء فراتر نمی‌رود.

با توجه به جایگاه هنر در دنیای کنونی و نقش آن در زندگی انسانها باید به‌عنوان موضوعی مستقل، با نظر به همهٔ زوایا و گونه‌هایش، مطرح گردد و کتابی در فقه به نام «کتاب الفن» در کنار «کتاب التجاره»، «کتاب المضاربه» و... تهیه گردد.

این علل عبارتند از:

الف) نبود پیشینهٔ درست در کاربرد هنر مجسمه‌سازی، سینما، تئاتر و...

ب) ابهام در برخی مفاهیم، مانند: مفهوم غنا.

ج) دغدغهٔ فرو افتادن در گناه به علت جو حاکم بر هنر و روابط بین هنرمندان.

بیشتر فقهای ماهر چنانچه سخن از احکام مقوله‌های هنری است، جانب حرمت و یا کراهت را بر حلال و مباح برتری می‌دهند. اگر این داوری درست باشد، امروز احتیاط عکس این را اقتضا دارد. بیان:

الف) امکان بهره‌وری صحیح از هنر در شرایط کنونی نظام اسلامی، فراهم است.

ب) دغدغهٔ فرو افتادن در دام دشمنان، با توجه به حضور جدی هنر در زندگی مردم از طرفی، هجوم فرهنگی بیگانه سوار بر امواج قوی و نافذ خویش از سوی دیگر، این نگرانی را برای هر اندیشه‌ور آگاه به وجود می‌آورد که اگر امروز، موضوع هنر را جدی نگیریم و پرسشها را پاسخ نگوییم و به‌طور واقع بینانه حد و مرزهای حلال و حرام را در گونه‌های هنر مشخص نکنیم، دیگران این خلأ را پر خواهند کرد. باید بدانیم، با حرام دانستن یک‌سویه، ره به جایی نمی‌بریم و به وادی دهشتناک‌تری کشیده خواهیم شد.

افزون بر این، بیشتر مواردی که حکم به حرام بودن می‌شود، اگر حلال آشکار نباشد، حرام آشکار هم نیست و از موارد شبهه است و یقین نداشتن به حرمت، جای حکم به اباحه و جواز است نه حرام بودن و دوری گزیدن.

هنر و پیام‌رسانی

هنر، مؤثرترین و بهترین ابزار در جهت ارائه حقایق و معارف دینی است. آمیزهٔ هنر و فناوری، امکانات جدیدی را فراهم ساخته است تا حقایق دینی و ارزشها در سراسر عالم منتشر شود و به‌دست همگان برسد. نگرشی واقع‌بینانه و متصفانه، نشان می‌دهد هر چنانچه اندیشمندان اسلامی و فقیهان آگاه خود را از هنر جدا کرده‌اند، به‌دست اربابان و سودجویان

اقتصادی افتاده و استفاده‌های ناروا و غیراخلاقی از آن شده است. امروزه هنر، نقش و جایگاه برجسته‌ای در فرایند پیام‌رسانی یافته است، به گونه‌ای که جذابی این دو مقوله از یکدیگر، امکان‌پذیر نیست.

با گسترش فناوریهای علمی و انفجار اطلاعات و افزایش ارتباطات، نمودها و شیوه‌های پیام‌رسانی بسیار دگرگون شده‌اند. تکنیک و صنعت به کمک هنر آمده و امکانات جدیدی در تولید و عرضه پیام فراهم آمده است. رمان، نقاشی، موسیقی، فیلم، تئاتر و... همه امکاناتی هستند که در فرایند پیام‌رسانی، جایگاه ویژه‌ای دارند. زبان هنر، بین‌المللی است و می‌تواند به دور از حد و مرزهای جغرافیایی، با ملتها و قومیت‌های گوناگون ارتباط برقرار کند و به‌عنوان یک عنصر توانمند برای ارتباط‌های فردی و اجتماعی در سطح بین‌المللی، ایفای نقش نماید. زندگی ماشینی، فرصت تفکر و اندیشیدن در مسائل پیچیده علمی را از انسان امروز گرفته است. انسان خسته از کار سخت شبانه‌روزی، مجال آن را ندارد که بتوان به زبان عقل و استدلال با او سخن گفت. باید بیشترین حرف‌ها را، در کمترین زمان ممکن با مؤثرترین زبانی بیان کرد و این، تنها از زبان هنر ساخته است. از این رو، آن پیامی امروز بی‌روز می‌شود و در صدر جای می‌گیرد که بتواند از ابزارهای هنری، بیشترین و بهترین استفاده را ببرد.

هنر، می‌تواند از مؤثرترین و بهترین ابزارها برای ارائه حقایق و معارف به‌شمار آید. تاریخ اسلام، جنبه‌های گوناگون زندگی سیاسی، اجتماعی و اخلاقی پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام و شخصیت‌های مذهبی و سیاسی را هم‌تراز با فکرهای گوناگون و در خور فهم هر گروه اجتماعی و هر طبقه و هر سن، در چارچوب زیبا و دلنشین ارائه دهد.

هنر متعهد از دیدگاه امام خمینی

امام خمینی می‌فرماید:

«هنر در مدرسه عشق، نشان دادن نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است. هنر در عرفان اسلامی، ترسیم روشن عدالت و شرافت و انصاف و تجسیم تلخکامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول است. هنر در جایگاه واقعی خود، تصویر زالوصفتانی است که از مکیدن خون فرهنگ اسلامی، فرهنگ عدالت و صفا لذت می‌برند. تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهان‌خواران شرق و غرب در رأس آنان آمریکا و شوروی را بیاموزد.»^۱

«رسانه‌ها باید بیشتر کار کنند، از گردانندگان و هنرمندان متعهد بخواهند در راه تعریف صحیح تهذیب جامعه، وضعیت تمام هنرچوها را در نظر گرفته، راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را با هنرها و نمایشنامه‌ها به ملت بیاموزند و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کنند.^۱»
همچنین می‌فرماید:

«... در رژیم سابق همه چیز خصوصاً فرهنگ و هنر محتوایش عوض شده بود یعنی کسی که نام سینما را می‌شنید، خیال می‌کرد در آنجا باید مرکز فساد و سوءاخلاق، مرکز مخالفت با همه چیز باشد یا کلمه تناثر در ذهن انسان چیز مبتذلی بود که از آن بهره فساد برده شود و حکماً همه چیز دیگر ... اینها همه به خاطر آن بود که ما فرهنگمان را فراموش کنیم.^۲»

آنچه از فرمایشهای بهرپار و سیره عملی امام راحل در طی سالهای قبل و بعد از انقلاب به دست می‌آید، این است که ایشان نگاه متحجرانه به مقوله‌ها و پدیده‌های هنری ندارند که به‌طور کلی آنها را رد و تعطیل نمایند، بلکه با توجه به دخالت عنصر زمان و مکان و مقتضیات و مصالح، استفاده از آنها را برای تبلیغ دین بسیار مؤثر می‌دانند. اما شرط اساسی این نقش مؤثر را، مطابقت با اصول اعتقادی دینی و اخلاقیات انسانی قرار می‌دهند. هنری که نتیجه آن، وابستگی به قدرتهای استعمارگر غرب و شرق باشد، هنری که فساد، انحطاط و تخدیر مغزهای جوانان جامعه را به بار آورد، هنری که دردمند نباشد و از مستضعفان و اقشار محروم جامعه بی‌خبر باشد، هنر اسلامی نیست و از نظر ایشان کاملاً مردود و ترویج آن حرام است. از این رو، استفاده از رسانه‌های هنری مانند رادیو، تلویزیون، تناثر و سینما را در زمان طاغوت حرام و کمک به ظلمه دین می‌دانستند. این ملاک اساسی در هر هنری است و گرنه اصل هنر، مفهومی با ارزش و قابل تحسین است که همواره در اسلام مورد تأیید و بهره‌برداری تبلیغی قرار گرفته است. ویژگیهای هنر متعهد و تأثیرگذار عبارت است از:

۱ - قدرت برهانی و اقلایی از جهت پیام و مضمون و اندیشه تجسم‌یافته در قالب یک اثر هنری.

۱ - صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۰۹.

۲ - همان، ج ۱۸، ص ۱۶۱.

۲ - داشتن بیان بین‌المللی در جهت برقرار کردن ارتباط با دیگران، از راه زبان تصویری و توانایی در تبیین حکم برای مخاطبان جهانی.

۳ - حفظ و حراست از مراتب جدّیت و قاطعیّت انقلابی و دینی حکم صادره ...

۴ - نشان دادن نقش و نقشه استعمارگران در ساماندهی توطئه آیات شیطانی، یا بهره‌برداری از این گونه رخدادها.

۵ - تبیین علل و عوامل ایجاد کننده صدور حکم یاد شده.

بنابراین، با توجه به این که رساندن پیام دین از مسؤلیتهای مهم حوزویان است، تواناییهای موجود در هنر ایجاب می‌کند حوزه آن را جدّی بگیرد و برای استفاده بهینه از این امکان و استمداد انسانی، برنامه‌ریزی و پیچیدگیهای موجود را رفع نماید.

هنر در خدمت دین

در صدر اسلام، در سرزمینی که شعر و سخنوری جایگاه برجسته‌ای داشت، قرآن با عالیت‌ترین بیان، ارائه گردید. معماری اسلامی، تذهیب و خوشنویسی قرآن و کتیبه‌های دینی در سراسر جهان اسلام، شاهدی بر این ادعاست. حتی تعزیه‌خوانی، مداحی و مرثیه‌خوانی نیز جلوه‌های زیبایی از موسیقی اسلامی و هنر بازیگری است. اگر دقیق بنگریم، معجزات الهی و خلقت جهان هستی به راستی عرصه هنرمایی خداوند است و میل و فطرت زیبایی خواهی، ودیعه‌ای گرانسنگ است که در نهاد آدمی قرار داده شده تا از این هنرنمایی و نمایشگاه جمال خداوندی، لذت و بهره کامل ببرد.

در طی سالیان گذشته، هنر به سبب قدرت نفوذ و جاذبه، همواره مورد استفاده ناروای اربابان قدرت قرار گرفته و به زیان دین خدا و خلق خدا و در خدمت هوسها و خواسته‌های گردنکشان و طاغوتیان روزگار، به کار رفته است. این پیشینه بد سبب سده تا بسیاری از حوزویان، به هنر و مسائل مربوط به آن، روی خوش نشان ندهند، بویژه نسبت به هنرمایی که در روزگار غربت اسلام و ارزشهای اسلامی وارد کشور ما شد مانند تئاتر و سینما که به‌طور طبیعی بر پایه غیراسلامی بنا گشته و ناسازگار با مفاهیم اسلام رشد کرده است، ولی اگر واقع‌بینانه و با درنگی بیشتر به تاریخ هنر بنگریم، خواهیم یافت که هنر نیز مانند دیگر جلوه‌های زیبای زندگی انسان، همان‌گونه که نادرست از آن استفاده شده و ستمگران آن را در خدمت هدفهای ضدانسانی در آورده‌اند، در اختیار دین و هدفهای عالی انسانی و ترویج ارزشها نیز قرار گرفته است. که اگر هنر را از این بُعد مطالعه کنیم، به نکته‌های برجسته و مفیدی خواهیم رسید که ذهنیت ما را نسبت به هنر تغییر خواهد داد.



اسلام، از آغاز در قالب صددرصد هنری ارائه شد. در زمانی که شاعران و سخنوران قوی و توانا فراوان بودند، قرآن در بلندترین، عالیترین و کامل‌ترین شکل بیان هنری بر سینه محمد^{صلی الله علیه و آله} فرود آمد. قرآن از لحاظ زبان هنری، سرمایه‌ای بی‌نظیر و استثنایی است و یکی از وجوه اعجاز و ماندگاری قرآن، همین قالب هنری آن است.

www.ketab.ir